

راه دوره و کار دارم
جلوم یه دیوار دارم
یه دیوار آهنی
یه سد اهریمنی
تمام راه ها بسته است
دل ها همه شکسته است
جلو ، عقب ، چپ و راست
اینجا همیشه غوغاست
راه فرار ندارم
صبر و قرار ندارم
دود و غبار تیره
اینجا یه شهر اسیره
نه طاقتی ، نه تابی
کلافه ام حسابی
همش دود و سیاهی
نه چاره ای نه راهی
حتی یه راه باریک
امان از این ترافیک